

کتاب آرائی در ایران

اکبر تجویدی

میدانیم که ایرانیان بآرایش کتاب دلبستگی فراوان داشته‌اند ولی از آنجا که پوست یا کاغذ که نقش بر روی آنها پدید می‌گردد از اجناسی است که در مقابل حوادث پایداری کمتری دارد نمونه‌های باستانی این هنر بسیار کمیاب است. بید و موریانه و دیگر حشرات و آتش و عوامل دیگر همیشه کتاب و دفتر و نامه‌ها را تهدید میکند. از سوی دیگر از زمانیکه تازیان بر ایران مستولی شدند کوشش بسیار در نابود ساختن کتابها و کتابخانه‌های ایران نمودند.

بدون شك هنگامیکه در سال سیصد و هشتاد و نه هجری قمری کتابخانه باشکوه سامانیان دستخوش آتش‌سوزی شد بسیاری از کتابهای مصور و گرانبهای ایران در آن سوخته‌است. همچنین هنگامیکه کتابخانه آل‌بویه در ری بدست سلطان محمود غزنوی ویران گشت انبوهی از کتابهای گرانبهای باستانی ایران از میان رفت. ولی همه این ویرانیه‌ها و آتش‌سوزی کتابخانه‌ها در برابر تاراج مغولان ناچیز می‌نماید.

استخری که در قرن سوم هجری میزیسته در نوشته‌های خویش از سالنامه‌ای یاد میکند که از زمان شاهنشاهان ایران باستان بیادگار مانده بوده و تک‌چهره آن شاهنشاهان را دربر داشته است. استخری که بچشم خویش این کتاب را دیده یادداشت کرده است که سالنامه مزبور در قلعه‌ای واقع در ایالت جبار نزدیک یکی از مشهورترین آتشگاههای آترمان نگاهداری میشده است. میدانیم که هر یک از شاهان ساسانی هنگام تاجگذاری بزیارت این آتشگاه می‌آمدند و هنگامیکه استخری میزیسته این آتشگاه همچنان دائر بوده و آتش مقدس در آن نگاهداری میشده است. همچنین مسعودی از کتابی همانند سالنامه بالا یاد کرده است که متعلق بیک خانواده نامدار ایرانی شهر استخر بوده. این کتاب شامل سرگذشت شاهان ایران بوده و نام ساختمانهایی که هر یک از آنان برپا کرده بودند همچنین چهره یکایک آنان بالباس و تاج مخصوص در آن نگاشته بوده است.

کتاب دیگری از این نوع که تاریخ نام آنرا ضبط کرده است نسخه‌ای است که بطلا و جواهرات (لاهد جلد آن) و زری مزین بوده و در خانه افشین سردار خلیفه عباسی المعتمم نگاهداری میشده و همین کتاب است که در محاکمه‌ای که دشمنانش بر علیه وی ترتیب دادند سندی برای محکوم ساختنش گردید و بهمان جهت بزندان رفت (ظاهراً در این کتاب مطالب مربوط به آئین زردشتی همراه با تصاویر نگاشته بوده است). آنچه از مطالب بالا برمی‌آید آنست که هنگام تسلط عربها

۱- در تنظیم این سطور از کتاب « بررسی هنر ایران » جلد سوم مقاله‌های « کتاب آرائی » از (Sir Thomas Arnold) و « رابطه‌های هنر مانویان با هنر ایرانی » از (Ugo Monneret de Villard) و همچنین « تاریخ مینیاتور و طراحی » از (Ernst Kühnel) بهره‌گیری شده است.

A survey of Persian Arts 6 Vol., London and New York, Oxford University Press 1938.

برایران با آنکه اعتقادات آنان با هنرهای تصویری و آرایشی چندان سازگاری نداشت^۱ مظاهر گوناگون هنری و از جمله کتابهای مصور یکباره نابود نگشت و تا قرن‌ها در شهرستانهای گوناگون ایران گروه بیشماری دین نیاکان خود و سنت‌های باستانی خویش را محفوظ داشتند و هرچند کم کم مردم ایران به آئین اسلام گرویدند تا سالیان دراز رسم و آئین کهن را بر حسب عادت رعایت میکردند و از جمله در نگاهداری کتابهای گرانبها و آرایش شده کوشا بودند تا آنجا که پاره‌ای از ایرانیان با وجود رسیدن بمقامات عالی در دستگاه خلفا همچنان در پنهانی بنگاهداری مظاهر تمدن کهن خویش مهر می‌ورزیدند که از آنجمله باید خانواده برمکیان را نام ببریم. میدانیم که خانواده برمکیان در دربار خلفای عباسی مقامی والا داشتند و تا سال ۱۸۸ هجری قمری که هارون الرشید با ستمهای بسیار آنان را تارومار ساخت همواره مقامات عالی با آنها سپرده میشد. میگویند نبی بزرگ آنان برمک یکی از پاسداران آتش در معبد بلخ بوده است. شاید بتوان اظهار عقیده کرد که هنرمندان دورانهای اسلامی هنگام مصور کردن کتابهای خود و بطور کلی در فن نقاشی از آثاری که در خانه بزرگان ایرانی یافت میشد از همان آغاز قرون اولیه هجری الهام میگرفته‌اند. مقایسه پاره‌ای از نقاشیهای آغاز اسلام با کنده‌گریهای ساسانیان بر دامن کوهها عقیده بالا را استوارتر میسازد. همین منابع الهام در دورانهای بعدی زمینه پیدایش هنر کتاب‌آرایی ایرانی عصر مغول را بنیاد گذاشته است. بعنوان مثال هنگامیکه صحنه‌های حجاری طاق بستان را بخاطر آوریم و ویژگیه نقش‌های شکارگاه آنرا از جهت طراحی و همگذاری با نقاشی‌های دوران مغول و تیموریان مقایسه کنیم با سانی درمیابیم که سنت‌های گذشته تا چه اندازه در پدید کردن شیوه‌های آنروزگار مؤثر بوده است. همچنین اگر صحنه‌های شکار کتابهای دوران صفویان را بررسی کنیم پاره‌ای اوقات چنان شباهتی میان آنها و سنگ‌بری‌های ساسانی و ظروف نقره آن عصر مشاهده می‌کنیم که گوئی نقاش این مینیاتورها همان کنده‌گر دوران ساسانیان بوده است. در پاره‌ای از این تصویرها هنگامی هم که هنرمند خواسته است پادشاه زمان خود را در حال سواری و یا جلوس بر تخت بنمایاند آنچنان از هنر دورانهای پیشین متأثر بوده که چه بسا وی را در لباس شاهان باستانی و بانخت و سر بر روزگاران کهن نگاشته است.

نام مانی پیامبر ایرانی آنچنان با هنر نقاشی پیوسته است که ممکن نیست در گفتاری درباره هنر کتاب‌آرایی ایرانی از یادآوری نام وی خودداری کرد. با آنکه در این زمینه سخنان گوناگون گفته شده ولی بهرحال ادبیات و اشعار فارسی همه‌جا نام هرنگارگر چیره‌دست را با نام مانی مترادف آورده و واژه نگارخانه مانی بجای کاخهای پرزینت و باشکوه بکار رفته است. از این رو ناچار درباره هنر نقاشی مانویان بنا بر آنچه از سنت گذشتگان برمیآید گفتاری می‌آوریم. باید

۱ - معلوم نیست واقعا دین اسلام با تصویرسازی مخالفتی نموده و یا آنرا تحریم کرده باشد. در قرآن کریم تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد هرگز این مطلب عنوان نشده و در احادیث موقتی نیز ذکری از آن نرفته است. هنگامیکه تازیان به مدائن آمدند عمر بن خطاب در زیر طاق بزرگ ایوان کسری نماز جماعت برپا کرد و میدانیم که طاق این ایوان عظیم مزین به نقاشیهای باشکوه زیاد بوده و از جمله فتح انطاکیه بدست انوشیروان بر آن نقش بوده است. با توجه به وسواسی که عمر لااقل در حفظ ظواهر شریعت از خود نشان میداد چنانچه از طرف پیغمبر اکرم (ص) در این زمینه نکته‌ای عنوان شده بود بنظر میرسد که عمر پیش از اقدام به پاک کردن تصاویر زیر آنان دستور تشکیل نماز جماعت داده باشد. بنظر میرسد که مخالفت با تصویرسازی بیشتر بمنظور محو آثار مانوی که حریف سرسخت سایر ادیان بود در دوره‌های بعد از طرف افراد متعصب شروع شده باشد. پیدایش یک جنبش مخالف با تصویر در امپراطوری مسیحی رم مقارن با قرن دوم هجری نیز ممکنست باموضوع بالا مربوط باشد.

یادآوری نمائیم که از هنگامیکه هنر نقاشی کتاب میان مسیحیان رائج شد این هنر کم و بیش با نقاشی ایرانی ارتباط پیدا کرد و هنرمندان دو گروه متقابلاً از یکدیگر بهره گرفتند. بویژه هنر کتاب آرائی نزد نسطوریان ایران رواج بسیار داشته و بوسیله آنان همراه با گسترش دیانت مسیح تا دورترین نقاط ترکستان رواج یافته است و در این سیر توسعه خود با هنر نقاشی مانویان پیوستگی پیدا کرده است.

گفته اند که مانی برای آسان ساختن فهم فلسفه بسیار مشکل آئین خود مفاهیم مجرد آنها را بوسیله طرحها و رنگها نقش میکرده و باین ترتیب حکمت ماوراءالطبیعه دین خویش را بیان می نموده. باین ترتیب احتمالاً بیشتر نقاشیهای مانوی بشیوه انتزاعی بوده و بوسیله تاریخ و روشنیها و بویژه رنگهای طلائی مبارزه نور و تاریکی را نمایش میداده است. همانطور که میدانیم دین مانی در آغاز سرعت همجاگیر شد و بیرون از مرزهای ایران نیز طرفداران فراوان یافت ولی دیری نگذشت که این آئین بسختی مورد دشمنی موبدان قرار گرفت و در زمان سلطنت بهرام اول باغوازی آنان بزندگی مانی پایان داده شد. از آن پس نیز پیروان دین وی در ایران بوسیله موبدان زرتشتی و در خارج از ایران بوسیله امپراطوران مسیحی روم بسختی مورد آزار قرار داشتند. در آغاز رواج دین مبین اسلام مانویان تا مدتی از آزادی نسبی برخوردار بودند ولی دیری نپائید که خلفای عباسی سهم خود در صدد برچیدن آئین آنان برآمدند و هر جا کتابهای آنان را یافتند آنها را طعمه حریق ساختند. باید یادآوری کرد که ممکنست پاره‌ای مخالفتهای مسلمانان بفن نقاشی تا اندازه‌ای با مبارزه آنان برای از میان برداشتن سنتهای دین مانوی مربوط باشد. بدنبال این وقایع گروهی از مانویان بسوی سرزمینهای شرقی و شمال‌خاوری ایران روی آوردند و بزودی در آن بخشها آئین خود را گسترش دادند و بسیاری از مردم آن سرزمینها و از جمله سران ایغوری ترکستان را بدین خود آوردند. با اینهمه باید بخاطر داشت که سنت کتاب آرائی مانویان بکلی در داخل ایران بدست فراموشی سپرده نشده و همین هنر بعدها در پیدایش مکاتب گوناگون مینیاتورسازی اثر فراوان گذاشت. این مطلب از شباهتی که میان چند قطعه نقاشی مانوی که در ترکستان بدست آمده و پاره‌ای از تصاویر کتابهای عصر مغول وجود دارد بخوبی روشن میگردد. مطالعه این نقاشیها پاره‌ای مسائل مربوط به مینیاتور ایرانی و گرایش آنها بشیوه‌های نقاشی خاور دور روشن میسازد. بادر نظر گرفتن این قطعه‌ها و دیگر روایتی که از نقاشیهای مانی و پیروانش بجای مانده باید بخاطر آورد که همه نقاشیهای مانوی آنچنانکه در بالا یاد کردیم بشیوه غیر تصویری و انتزاعی نبوده بلکه در بسیاری از آنها هیکل آدمی و گلها و گیاهان نیز سرمشق هنرمند بوده است. شباهتی که میان گل و بوته‌های منقوش بر این مینیاتورها و آنچه در کتاب منافع الحیوان که از قرن هفتم هجری است وجود دارد بطور وضوح رابطه میان این دو مکتب از هنر کتاب آرائی را میرساند. در صورتیکه هنگام مقایسه این فن با آنچه در مغرب زمین برای آرایش انجیل بکاررفته و از جمله در تزیینات گردآورده‌های سروده‌های مذهبی (Psautier) سرمشق هنرمند بوده است چندان رابطه‌ای مشهود نمیگردد.

پس از تصاویر کتابهای مانویان باید از قرآنهاى مزین که از قرون اولیه هجری رائج گشته یاد کرد. تزیینات این قرآنها که بخط کوفی نوشته شده بیشتر منحصر بنقشهای هندسی ساده است که همین نقشها در دوره‌های بعد رویکمال رفته و با الهام‌گیری از شیوه گل و برگ‌سازی ساسانی فن تذهیب را پدید آورده است. درباره کتابهای مصور در ایران باید یادآور شد که پس از آنچه از مانویان بجای مانده قدیم‌ترین نمونه‌های شناخته شده این فن از قرون ششم و هفتم هجری فراتر نمی‌رود. تصاویر کتابهای این اوان را معمولاً بدو مکتب نقاشی بغداد و سلجوقی نسبت

میدهند. پاره‌ای از نقاشیهای مکتب بغداد گاهی با هنر بیزانس ارتباط دارد و فرق عمده آن با مکتب سلجوقی آنست که در سبک بغدادی آنچنانکه از نقوش کتاب مقامات حریری برمیآید تصاویر معمولاً روی متن کاغذ بی‌آنکه زمینه را رنگ آمیزی کرده باشند ساخته شده‌اند در صورتیکه در شیوه سلجوقی که نمونه آنرا باید در کتاب سمک عیار جستجو کرد نقوشها و تزیینات بر روی متن رنگ آمیزی شده پدید گشته‌اند. چهره‌ها و دیگر عوامل متشکله تصاویر کتاب فوق از هر جهت با سفالهای لعابدار قرنهای ششم و هفتم ری و ساوه بستگی دارد. از قرن هشتم بعد شیوه‌ای در کتاب آرائی ایرانی رایج شد که آنرا مکتب ایلخانیان نامیده‌اند. از این دوره کتابهای مصور بسیار از جمله نسخ گوناگون از جامع‌التواریخ و شاهنامه بجای مانده. این آثار چون در زمان سلطه مغول پدید گشته‌اند و از آنجا که در آن روزگار چین نیز جزء امپراطوری مغول بحساب میآمد و در نتیجه رابطه میان ایران و چین بعلت نبودن مرز سیاسی بیش از هر زمان دیگر افزایش یافته بوده است از این نظر آثار این دوره از پاره‌ای جهات بیش از دورانیهای پیش با هنر تصویری خاور دور پیوند دارد. اینکه میگویند این شیوه نقاشی منحصرأ پس از هجوم مغول در ایران رایج شد صحیح بنظر نمی‌رسد چه ساختن چهره‌های گرد و چشمان کشیده بادامی و آنچه ظاهراً خصوصیات چهره مغولی و ترک و چینی را دارد پیش از هجوم مغول نیز در نقاشی ایرانی رایج بوده و بطور کلی ادبیات فارسی اینگونه چهره‌ها را مظهر زیبایی میدانسته است و صورت ترکان زیباروی چنگیز از دیرباز مورد ستایش شاعران با ذوق ایرانی بوده است و از آنجا که نقاشان ایرانی پیوسته از شعر فارسی الهام میگرفته‌اند ساختن اینگونه صورتها از آغاز نزد آنان معمول بوده است. در بسیاری از آثار سفالی لعابدار پیش از عصر مغول نیز همین شیوه را مشاهده می‌کنیم.

مقارن همین ایام در نواحی غربی و شمالی ایران که زیر نفوذ آل‌جلایر قرار داشت شیوه‌ای در کتاب آرائی پیدا شد که در بسیاری جهات با مکتب ایلخانی تفاوت داشت و بشیوه باستانی ایرانی نزدیکتر بود. برجسته‌ترین هنرمند این مکتب جنید نقاش است. آثار وی از هر جهت الهام‌دهنده مکتب نقاشی تیموری بشمار میرود. منظره‌های خورنق و سنت فراتر بردن نوك درختان و کوهها و ساختمانها را از چهار چوبه خط‌کشی دور تصویر باید از این زمان دانست.

میگویند تیمور بهتر نقاشی و کتاب آرائی دلبستگی داشت و بویژه بشیوه نقاشی مانویان علاقه نشان میداد. از دوره وی آثار بسیاری بجای مانده که يك بخش آن در سمرقند بوجود آمده است. در روزگار او هنر کتاب آرائی در تبریز و بویژه در شیراز و هرات رواج بسیار یافت از این میان شیوه شیراز را باید زنده کننده مستقیم سنت‌های نقاشی کهن ایرانی بشمار آورد. از میان کتابهای بسیار نفیس مصور دوره تیموری باید شاهنامه بایستقیری را نام برد. این کتاب بکتابخانه سلطنتی گلستان تعلق دارد و از نفیس‌ترین مجموعه‌های نقاشی ایران است.

نام آورترین هنرمند دوره تیموری کمال‌الدین بهزاد است که او را بعلل بیشماری صاحب مکتب دانسته‌اند و پس از وی شیوه او را قاسم‌علی دنبال کرده است. هنگامیکه شاه اسماعیل صفوی هرات را گشود بهزاد هنوز در قید زندگی بود. شاه اسماعیل او را گرامی داشت و با خود به تبریز برد و ریاست کتابخانه سلطنتی را بوی سپرد. در این دوره و سالهای پس از آن شاگردان و همکاران نامی بهزاد عبارت بودند از شیخ زاده، خواجه عبدالعزیز، آقامیرک، سلطان محمد، میر سید علی، مظفر علی که از آنان آثار گرانها از جمله نقاشیهای بسیار نفیس متعلق بیک خمسه نظامی که اکنون در موزه بریتانیا است بجای مانده است. از خصوصیات آثار این دوران و بویژه کارهای کمال‌الدین بهزاد احساس عمیقی است که هنرمند از زندگی داشته و موفق شده است به بهترین وجهی این دریافت

را تصویر کند. گرچه حالت‌های چهره‌ها و اندام‌های گوناگون بر مبنای علم کالبدشناسی نقاشی نشده ولی آنچه مهم است آنکه کیفیت روانی افراد در حالت‌های گوناگون بصورت نشانه‌ای بخوبی نمایانده شده است. در هر يك از این نقاشیها هنرمند با توجه به صحنه مورد نظر خویش جهانی مستقل آفریده است که در آن مردمان و درختان و کوهها و دیگر اجزاء نقاشی بهمان جهان پیوند دارند و بطور خلاصه هنرمند بهترین وجهی دریافت خود را از طبیعت با توجه به مفهومی که اندیشه وی بدان می‌افزاید ترسیم کرده است. باین ترتیب هنرمند نگارگر بجای آنکه آنچه را می‌بیند بهمان طریق بنگارد بدنیاال نقاشی جهان اندیشه خود رفته است و اگر می‌گوئیم در کارهای این استادان واقعیت زندگی نقاشی شده است منظور آن واقعیت عینی که با حواس خود در می‌یابیم نیست بلکه واقعیت مضمر و پنهانی بیشتر مورد توجه هنرمند این دوره بوده است و نقاش این جهان را ناچار بوسیله رنگها و خطوط و نشانیها بیان کرده است و چون با توسل بشیوه خاص نقاشی ایرانی از نمایاندن سایه و روشنها و دور و نزدیکها بر کنار بوده موفق گشته عالی‌ترین هماهنگیهای رنگی را بشیوه‌تری پدید کند. مکتب کتاب‌آرایی آغاز دوران صفوی دنباله همان شیوه هرات یا خراسانی است ولی از هنگامیکه پایتخت از تبریز بقزوین و سپس باصفهان انتقال یافت تازگیهای در فن نقاشی و در نتیجه در فن کتاب‌آرایی پدید گشت. زبده‌ترین نقاش این دوران رضاعباسی است که این هنر را بسوی سادگی سوق داد و بجای ریزه کاریهای دورانهای پیش بنگارش اصول حرکات پرداخت و سپس شیوه وی را شاگردش معین مصور دنبال کرد. در این دوره بجز نقاشی کتاب آثار دیگری بصورت قطعه و مرقع بسیار پدید گشته است. پاره‌ای کارهای رضا عباسی در زمره عالی‌ترین آثار هنری جهان بشمار میرود. در سیاه‌قلم‌هایی که با سرعت تمام بصورت مشق «اسکس» نگاشته است چنان استادی و مهارتی بکار رفته که نظیر آنرا حتی در کارهای استادانی چون داوینچی و میکلاثر نیز سراغ نداریم. بویژه آنجا که با یک گردش قلم تمام خصوصیات ساختمانی يك اندام را مجسم کرده آنچنان قلم وی چرخشها و حرکات را خوب نگاشته است که در دورانهای پس از وی استادان زبردست هرگز نتوانسته‌اند حتی کار او را تقلید کنند و بهمین علت هنرشناسان هراتی را که بشیوه رضاعباسی ساخته شده باشد ولی قلم خود استاد نباشد بزودی تمیز میدهند هر چند تقلید کننده یا دیگری نام و امضای رضای عباسی را پای آن کار گذاشته باشد.

پس از معین مصور باید از شفیع عباسی که پسر رضای عباسی سابق الذکر است و همچنین از محمد زمان که کوشیده است شیوه تازه‌ای در نقاشی پدید کند نام برد. همچنین در دورانهای بعد هنرمندان بسیاری بتصویر و تزیین کتابها پرداخته‌اند که باید از آنجمله از صنیع‌الملک نام ببریم. وی کتاب هزار و یکشب را بتصاویر زیاد و زیبایی آراسته است.

کتابهای مصور ایرانی از جمله عالی‌ترین شاهکارهای هنری جهان بشمار میرود و امروزه کتابخانه‌های کشورهای ما و همچنین دیگر کتابخانه‌ها و موزه‌های سراسر جهان با این آثار زیب و زیور یافته‌اند. ذوق سرشار ایرانی که از دیرباز در زمینه‌های هنری یگانه بوده است همراه با دلبستگی فراوان مردم سرزمین ما بفرهنگ و ادب این هردو پدیده ذوق و دانش را در کتابهای زیبای مصور یکجا گرد آورده است. ادب‌دوستان و هنر پژوهان نامدار ایرانی عالی‌ترین دقایق عمر خود را آن لحظاتی میدانستند که روان خویش را با مطالعه آثار فرهنگی و ادبی سیراب سازند و در همان حال از دیدن عالیترین مظاهر هنری که بصورت تزیین و تذهیب بر کتابها نگاشته بوده است لذتی روحی برند و بهمین جهت این همه کتابهای نفیس مزین در طول تاریخ فرهنگ و هنر ایران پدید گشته و پیادگار مانده است.